

## سهم استاد عابدی در گسترش زبان و ادب فارسی

واصف احمد\*

روابط بین دو کشور قدیم هند و ایران با هم پیوسته، محکم و ناگسستنی است. این پیوستگی سابقه طولانی دارد. مردم این دو کشور عزیز همزاد و همفکر هستند زیرا که این پیوستگی دیرینه در نژاد فکر و لسان به چشم می‌خورد و ریشه دارد. زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند با افواج حکمرانان، تاجران، عوام، علما، اولیا و صوفیای کرام وارد شد و با مرور زمان مراحل ترویج و اشاعت را طی کرد. سلطان سبکتگین، پدر سلطان محمود غزنوی، در سال ۹۸۶ م به پنجاب حمله کرد و راجه جی پال را شکست داد. سپس پسرش محمود غزنوی در سال ۱۰۰۱ م به پنجاب حمله کرد و راجه جی پال را زندانی کرد. بعدها راجه جی پال خودکشی کرد. پسرش آندپال حکمران شد. محمود غزنوی در سال ۱۰۰۵ و ۱۰۰۹ م آندپال را شکست داده پنجاب را تحت قلمرو حکومت غزنوی درآورد.

به عبارت دیگر با استقرار حکومت غزنوی در پنجاب مأمورین عالی مرتبه، افواج، تجار، عوام، اولیای کرام، علما، ادبا و شعرای کرام به این سرزمین گردآمدند و نتیجتاً زبان و ادبیات فارسی درین منطقه آهسته آهسته رواج پیدا کرد. و با مرور زمان راه ترقی و ترویج و اشاعت را پیموده و به اوج کمال رسید و به زودی به حیث زبان اداری، علمی و ادبی و حتی زبان تکلم شناخته شد. در همین سرزمین مردم خیز اولیای کرام مانند حضرت شیخ علی بن عثمان هجویری معروف به حضرت داتا گنج بخش (۱۰۷۲-۱۰۰۹ م)، مؤلف کشف‌المحجوب، و دیگر اولیای کرام تشریف آوردند و به ظهور آمدند و همزمان

---

\* بخش عربی، فارسی، اردو و مطالعات اسلامی، بهاشابهون، دانشگاه وشوبهاری، شانتی نکیتن.

با تبلیغ دین مبین اسلام به گسترش و اشاعت زبان و ادبیات فارسی نقش مهمی ایفا نمودند. شاعر نامور روزگار اوایل به نام مسعود سعد سلمان همینجا پا به عرصه وجود نهاد.

در این سرزمین با مرور زمان حکومت اسلامی توسعه یافت و دایره قلمرو حکومت روز به روز وسیع تر شد و همزمان طبعاً زبان و ادبیات فارسی نیز در نقاط و خطه‌ها مختلف کشور راه پیمود و گسترش یافت.

ادیبان، شاعران، نابغه زمان و شخصیت‌های ادبی برجسته مانند مسعود سعد سلمان، امیر خسرو، حسن سجزی، ملا عبدالقادر بیدل، ابوالفضل فیضی، فیضی دکنی، عبدالرحیم خان خان‌خانان، نظیری نیشابوری، ابوطالب کلیم کاشانی، شیخ علی حزین، سراج‌الدین علی خان آرزو، عرفی شیرازی، ظهوری ترشیزی، ثنایی مشهدی، نوعی خبوشانی، غزالی مشهدی، طالب آملی، صائب تبریزی، شیخ محمد محسن فانی کشمیری، غنی کشمیری، بینش کشمیری، ناصر علی سرهندی، نعمت خان عالی، محمد افضل سرخوش، بیغم بیراگی، میر جعفر زئلی، آزاد بلگرامی، آنند رام مخلص، اسدالله خان غالب و شاعر مشرق، علامه محمد اقبال و غیره درین سرزمین پا به عرصه جود نهادند.

همین‌طور در قرن بیستم میلادی در همین سرزمین زبندگان علم و دانش و دانشمندان ذی‌قیمت چون پروفیسور محمد اقبال، وحید میرزا، صباح‌الدین عبدالرحمن، پروفیسور حافظ محمود خان شیرانی، شمس‌العلماء پروفیسور محمد عبدالغنی، قاضی عبدالودود، پروفیسور اقبال حسین، پروفیسور سید حسن، پروفیسور نذیر احمد و پروفیسور سید امیر حسن عابدی به ظهور آمدند و در پیشرفت زبان شیرین فارسی نقش مهمی ایفا نمودند.

در نیمه اول قرن بیستم میلادی در آسمان ادبیات فارسی ستاره‌ای درخشان و تابان طلوع کرد که چشم‌های دوستداران و پاسداران زبان و ادبیات فارسی شبه قاره هند و کشورهای آسیای مرکزی را خیره کرد. اسم گرامی این ستاره درخشان پروفیسور سید امیر حسن عابدی بود. به عبارت دیگر در حدود نود سال پیش از این در سرزمین پهناور و ادب‌پرور و هنرزی و سرسبز و شاداب هندوستان استادی کامل و با مروّت به نام پروفیسور سید امیر حسن عابدی قدم به عرصه وجود نهاد و آثاری از خود باقی گذاشته

که امروز پس از این همه گذشت زمان هنوز مانند ستارگان درخشان آسمان ادب و هنر بردانش پژوهان نورافشانی می‌کند. بدون هیچ شک و تردید استاد الاساتذہ پروفیسور عابدی یکی از برجسته‌ترین و جالب‌ترین شخصیت‌ها و بزرگ‌ترین و مشهورترین محققان، منتقدان و استادان زبان و ادبیات فارسی نیمه اول قرن بیستم و نیمه اول بیست و یکم میلادی به‌شمار می‌رود.

رئیس جمهوری کشور هند به‌سال ۱۹۷۲ م به‌پاس خدمات شایسته به‌زبان و ادبیات فارسی به‌او جایزه‌ای اهدا نمود. همین‌طور ایالت دهلی به‌سال ۱۹۷۵ م جایزه‌ای به‌عنوان ساهتیه کلاپریشد به‌وی عطا کرد. مؤسسۀ غالب جایزه‌ای به‌عنوان «فخرالدین علی احمد» تقدیم کرد. سازمان اعانۀ دانشگاه وی را به‌حیث استاد ممتاز انتخاب کرد. اینجا ذکر از مراسم شخصی و واقعه جالب بی‌محل نخواهد بود بلکه به‌نظم بعضی از جنبه‌های شخصیت پروفیسور امیر حسن عابدی را روشن‌تر خواهد کرد. راقم الحروف شخصاً با استاد گرامی بارها ملاقات کرده‌ام و به‌خانه وی هم رفته‌ام. آدمی خیلی مهمان‌نواز بود. با خنده، خوش آمد می‌گفت و با دل باز مهمان‌نوازی می‌کرد. باری در دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی‌نو، خوشبختانه پروفیسور عابدی ممتحن امتحان شفاهی دورۀ دکترای اینجانب بود. دوران امتحان شفاهی اشتباهی را که از طرف من در پایان‌نامه به‌وقوع پیوسته بود، تک تک به‌من نشان داد: این اشتباه است. اینجا اشتباه کردی و... من هم حتی‌المقدور سعی کردم که هر اشتباه را توجیه بکنم.

همین‌که استاد اشتباه را نشان داد، در پاسخ و توجیه من می‌گفتم: استاد، این اشتباه ماشین‌نویس است. استاد، این هم اشتباه ماشین‌نویسی است و این هم و... به‌عبارت دیگر من هر اشتباه را به‌گردن ماشین‌نویس می‌افکندم. پس از شنیدن پاسخ بچگانه، بی‌بنیاد و پُرفریب پروفیسور عابدی به‌من نگاه کرد و تبسم کرد و عکس‌العمل نشان داد با لهجۀ طنزآمیز ولی آهسته فرمود: کل اشتباهات از طرف ماشین‌نویس است؟ چنانکه من می‌فهمیدم منظورش این بود که اگر هر اشتباه، اشتباه ماشین‌نویس است پس اشتباه نویسنده پایان‌نامه کجا است؟ آیا هیچ اشتباهی درین پایان‌نامه ضخیم که دارای دویست صفحه است، از طرف شما رخ نداده است؟ پس از شنیدن حرف استاد من خیلی نادم و شرمندۀ شدم درحالی‌که پروفیسور عابدی و اعضای هیئت ممتحنه و حاضران مجلس

خیلی خندیدند، من دیگر آب شدم و درس گرفتم و از همان روز از عادت بد مزبور که اشتباه خود را برگردن دیگران می‌افکندم، دست کشیدم و اکنون حتی المقدور سعی می‌کنم هر اشتباه را که از طرف من است، انصافاً برگردن خود بگذارم. چون تعداد نوشته‌های استاد خیلی زیاد است بنابراین تعداد کثیر آنها و محدودیت زمان و مکان را مدنظر گرفته تک تک نام بردن از کل نوشته‌ها درین مقاله کوتاه و ناچیز ممکن نیست باز هم من حتی المقدور سعی خواهم کرد تا به بعضی از آنها اشاره بکنم و همین‌طور بعضی را مورد بررسی قرار خواهم داد. البته در آخر فهرست کوتاه داده خواهد شد.

#### در ذیل به بعضی از مقالات استاد عابدی اشاره می‌شود

هندوی فارسی‌دان، دیوان طوسی، ظفر خان احسن، منوچهر داس توسی، ابوطالب کلیم، ایران کا بنیاد گذار شعرون، بابا ولی رام، ملّا طغرا، سلیم تهرانی، شهریار، آج کے ایران کا سماجی و انقلابی ادب، عنایت خان آشنا، کامی شیرازی، مثنویات ملّا شاه، غالب و سبک ہندی، داستان پدماوت در ادبیات فارسی، کلیات ساعی، سبک فارسی میر، عہد شاہجہان کا ایک قابل توجہ شاعر، عصمت نامہ، قدسی مشہدی، *The Story of Ramayan Indo-Persian Literature*، روس کا ایرانی شاعر، پنجاکیانہ، دیوان شاه، مولانا کاشفی، ہندوستان میں فارسی کا مستقبل، صائب تبریزی اصفہانی، نظیر اکبرآبادی و سبک ہندی، افغانستان کی ثقافتی سرگرمیاں، چندربھان برہمن، داستان راماین در ادبیات فارسی، طالب آملی، نوعی خوبوشانی، افغانستان و ہند، فارسی میں سنی کی داستانیں، غنی کشمیری، عہد ہمایوں و اکبر کی دور و غزلیں، حدیث کشمیر در ادبیات فارسی، برخی از منابع ناشناخته، فارسی برای مطالعه تاریخ و فرهنگ ایران و ہند، ترجمہ آثار ہندی بہ فارسی، ابوطالب کلیم کاشانی، پندت رام موبد کشمیری، مثنوی رانی چندرا کرن، دیوان بیرم خان، دریای اسمار، فارسی میں ہندوستان قصے، دیوان ہادی، بابا شیخ فریدالدین گنج شکر، یکی از نسخہ‌های خطی و کهنہ و اصیل دیوان حافظ، امیر خسرو کی نادر تصنیفات ترکی میں، امیر خسرو اور سبک شاک، قصیدہ گرانہا و ناشناختہ شعرا بزرگ، شاہنامہ و ہند، مقطعات و رباعیات ناشناختہ شعرا بزرگ فارسی، آثار ناشناختہ فردوسی و عنصری، مقطعات ناشناختہ خلاق المعانی، دیوان قپلان بیگ کا ایک اہم نسخہ، اقبال از

حیث غزل‌سرای فارسی، حافظ و هندوستان، دیوان کوکبی، مجموعه لطائف و شفینة ظرایف، حضرت امیر خسرو کی کچھ غیر مطبوعہ غزلیں و قطعات، خان کلان میر محمد خان غازی، ادبیات ناشناخته، خاقانی و کمال‌الدین اصفهانی و یاران همه رفتند. مقالات مهم ذیل مختصراً مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### اشتراک و تعاون هند و ترویج و توسیع ادب فارسی

چون از اسم معلوم است درین مقاله تاریخ زبان و ادبیات فارسی در هند، از زمان محمود غزنوی گرفته تا زمان معاصر، مختصراً پله به پله و مرحله به مرحله نوشته شده است.

### شاهنامه فردوسی و هندوستان

درین مقاله از روابط کهن و دیرینه هند و ایران سخن رانده است. فردوسی همدرد و قدردان هندوستان بود.

### ترجمه‌های فارسی از زبان دیگر

چون از عنوان مقاله روشن است اینجا به ترجمه‌های آثار گرانمایه مانند کلیله و دمنه، آثار فقید آقای جواهر لعل نهرو، گیتانجلی و شعرالعجم و... که به ترتیب به وسیله بهروز به زبان پهلوی، محمود تفضلی به زبان فارسی، روان فرهادی به زبان فارسی و محمد تقی فخر داعی گیلانی به زبان فارسی ترجمه گردیده است، اشاره شده است علاوه بر کتاب‌های مذکور آثار ذی‌قیمت متعدد که از زبان سانسکریت به فارسی برگردانده شده است، درین مقاله مورد بحث و مباحثه قرار گرفته است.

تعدادی از مقالاتی که در مجلات و نشریه‌های معروف ملی و بین‌المللی به چاپ رسید را اینجا نام می‌برم تا خوانندگان گرامی از آنها بهره ببرند:

اردو ادب، علیگره؛ آهنگ، دهلی؛ معاصر، پتنه؛ صبا، حیدرآباد؛ مجله علوم اسلامی علیگره، علیگره؛ شیرازه، سرینگر؛ فکرنو، دهلی؛ مجله دانشکده ادبیات تهران، تهران؛ میر (شماره خصوص)، دهلی؛ فکر و نظر، علیگره؛ رهنمای کتاب، تهران؛ اسلامیک کلچر، حیدرآباد؛ برهان، هند؛ معارف، هند؛ نیا دور، لکهنو؛ مهر، تهران؛ جامعه، دهلی؛

تحریر، دهلی؛ آئینه هند، افغانستان؛ هنر و مردم، تهران؛ جرنل آف بیهار ریسرچ سوسایتی، پتنه؛ دانش، سرینگر؛ آجکل، دهلی؛ ایندو ایران سوسایتی جرنل، دهلی؛ معارف، هند؛ *Baba Farid Memorial Volume* [ویژه‌نامه بابا فرید]، پتیاله؛ خسروشناسی، دهلی؛ جشن طوس جرنل، ایران.

تألیفات و تراجم پروفیسور عابدی عبارتند از: وکرم اروشی، گلزار حال یا طلوع قمر معرفت، تصحیح مثنویات فانی کشمیری، تصحیح جوگ وششت، تصحیح سوز و گداز، تصحیح منتخب اللطایف، تصحیح داستان پدماوت، تاریخ سلاطین صفویه، پنچاکیانہ یا پنجنتتر، ضمیمه تعلق‌نامه امیر خسرو و تنظیم و ترتیب عصمت‌نامه یا داستان لورک و مینا.

حالا به معرفی کوتاه تألیفات و تراجم مذکور می‌پردازم.

### تاج المآثر

مرکز تحقیقات فارسی، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو به‌تازگی به‌سال ۲۰۰۸ م، تاج المآثر، تألیف صدرالدین محمد بن حسن نظامی نیشابوری، را با مقدمه و تصحیح و تنقیح پروفیسور سید امیر حسن عابدی، استاد ممتاز فارسی دانشگاه دهلی، به‌زیور طبع آراسته کرده است. تاج المآثر نخستین تاریخ شبه قاره هند به‌زبان فارسی است. این کتاب را صدرالدین محمد بن حسن نظامی نیشابوری حسب دستور اولین حاکم دوره سلطنت مسلمانان هند، قطب‌الدین ایبک به‌سلک تحریر درآورد. پروفیسور عابدی برای برگرداندن کتاب‌های ارزشمند زبان‌های هندی به‌ویژه از سانسکریت به‌فارسی توجه مخصوصی داشت. او می‌خواست هرچه ممکن است آنها به‌فارسی برگردانده شود و درین مورد قدم برمی‌داشت و شریک و سهیم بوده است. اینجا در ضمن می‌توان از کتاب‌های معروف چون دریای اسمار ترجمه کتاب سرت ساگر، وکرم اروشی، جوگ وششت، پنجنتتر یا پنچاکیانہ و غیره نام‌برد.

### دریای اسمار ترجمه کتاسرت ساگر

این اثر داستانی نخست در قرن نهم به‌دستور پادشاه وقت کشمیر سلطان زین‌العابدین به‌فارسی آمیخته به‌عربی ترجمه شد. سپس به‌دستور اکبر شاه توسط مصطفی خالقداد

عبّاسی، سانسکریت‌دان و مترجم نامور زمان، به‌زبان فارسی درآورد. بعد از قرن‌ها این کتاب به‌تصحیح دکتر تاراچند و پروفیسور سید امیر حسن عابدی توسط دانشگاه اسلامی علیگره با همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، هند در ماه فوریه سال ۱۹۹۷ م به‌مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال هند و هجدهمین سالگرد شکوهمند انقلاب اسلامی ایرن به‌چاپ رسید.

این اثر کمیاب به‌نه نهر تقسیم شده است و هر نهر به‌موج‌های مختلف منقسم است. او در اهمیت و ارزش این اثر داستانی چنین اظهار نظر می‌نماید:

«اگرچه اهمیت پنج تتر در ادبیات عامیانه جهان شناخته شده، ولی مجموعه‌ای دیگر هم وجود دارد که از حیث اهمیت و زیبایی از پنج تتر کمتر نیست، لکن تا به‌حال زیاد شناخته نشده است. این کتاب موسوم به‌کناسرت ساگر (Katha Sarit Sagar) «دریای اسمار» هنوز منتظر یک برزویه است که به‌وسیله وی معرفی و شناخته بشود... این کار مشکل‌تر شده است، زیرا بدبختانه نسخه اصل و قدیم‌ترین این سلسله از بین رفته است. آن نسخه مفقود موسوم به‌برهت کتا (Barhat Katha) «داستان بزرگ» بود»<sup>۱</sup>.

او می‌افزاید:

«می‌گویند که ملّا حمد آن را به‌نام بحرالاسمار به‌فارسی ترجمه نمود. بعداً این ترجمه را که لغات عربی زیاد داشت، به‌دستور اکبر شاه (۱۶۰۵-۱۵۵۶ م)، مصطفی خالق‌داد عبّاسی زیر عنوان دریای اسمار تحریر کرد. ترجمه عبّاسی هم به‌دست فراموشی و گمنامی سپرده شده بود، و به‌تازگی ما آن را کشف و معرفی کرده‌ایم. دو نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی ایالتی، حیدرآباد و کتابخانه ایندیا آفیس، لندن موجود است»<sup>۲</sup>.

- 
۱. عبّاسی، مصطفی خالق‌داد: دریای اسمار (ترجمه کناسرت ساگر)، تصحیح دکتر تارا چند و پروفیسور سید امیر حسن عابدی، با همکاری دانشگاه اسلامی علیگره و مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، بهمن‌ماه ۱۳۷۵ هـ ق/فوریه ۱۹۹۷ م، مقدمه، ص با.
  ۲. مأخذ پیشین، ص یط.

### و کرم اروشی

نمایشنامه و کرم اروشی کالی داس را مولوی محمد عزیز مرزا به زبان اردو ترجمه کرد و به سال ۱۹۳۶ م در شهر لکهنو به چاپ رسید. پروفیسور عابدی و کرم اروشی را به زبان فارسی برگرداند و شورای روابط فرهنگی هند به سال ۱۹۵۹ م به چاپ رسانید. ولی باید تذکر داده شود که علاوه بر ترجمه مذکور ترجمه‌های انگلیسی آن نیز استفاده شده است و در عین حال اشتباهات قبلی نیز رفع شده است. ضمناً برای سهولت تلفظ لغات سانسکریت معادل هر واژه به خط لاتینی در پانویس درج شده است.

### پنچاکیانه یا پنج داستان (کلیله و دمنه)

(برگردان مستقیم از متن سانسکریت به زبان فارسی، ترجمه مصطفی خالقداد عباسی)  
خالق این شاهکار عالم ویشنو شرما است.

این تخلیق مایه‌ناز به پنج باب (کتاب) یا پنج بخش تقسیم شده است و هر بخش مشتمل است بر حکایت در حکایت و داستان در داستان. این اثر جاویدان را نیز به فرمان اکبر شاه در همان عصر اکبر خالقداد عباسی خواه و ناخواه از متن اصلی سانسکریت به زبان فارسی درآورد.

در سال ۱۹۷۳ م دانشگاه اسلامی علیگره ترجمه خالقداد عباسی را با تصحیح دانشمندان و استادان ارجمند دکتر تارا چند و دکتر سید امیر حسن عابدی به چاپ رسانید. به سال ۱۹۸۴ م بار دیگر با رفع اشتباهاتی که در چاپ قبلی اتفاق افتاده بود، به تصحیح و توضیح دکتر جلالی نائینی، دکتر تارا چند و پروفیسور سید امیر حسن عابدی در ایران به اهتمام چاپ و انتشارات اقبال به چاپ رسیده بود. چاپ دوم همان نسخه دوباره در سال ۲۰۰۳ م به وسیله همان چاپخانه مذکور در ایران به وقوع پیوست.

به طور کلی می‌توان گفت که بدون هیچ شک و تردید پروفیسور سید امیر حسن عابدی از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین محققین زبان و ادبیات فارسی شبه قاره هند به شمار می‌رود. او در گسترش این زبان شیرین کارهای گرانقدر انجام داد و ازین رو مقبولیت عوامی و شهرت دوامی به دست آورد. این نکته را باید افزود که مقبولیت



عوامی وی فقط در چهار مرز هند محدود نماند بلکه تا سراسر شبه قاره هند و کشورهای آسیایی به ویژه آسیای مرکزی و کشورهای ایران، افغانستان، ترکیه، پاکستان، ترکمنستان، و تاجیکستان نیز رسید.

ناگفته نماند بیش از همه او شخصاً آدم خیلی شریف‌النفس، ساده، انسان دوست، مردم‌شناس، متواضع، مهمان‌نواز، سلیم‌الطبع و حلیم‌المزاج بود. به عبارت دیگر او شخصیت جالب و پرکشش داشت. دانشمندان، ادب‌پروران، دوستان و پاسداران زبان فارسی کل صفات انسانی وی را مدنظر گرفته و به پاس خدمات ارزنده و گرانقدر وی به پیشرف این زبان شیرین پروفیسور عابدی را با لقب بابای فارسی ملقب ساختند.

بالآخره طبق قانون فطری این ستاره درخشان و تابان به تاریخ سوم ماه مه سال ۲۰۱۱ م دارفانی را وداع گفت، ولی باز هم تا قیامت نورفشانی خواهد کرد و ما از فیوضات و برکاتش همیشه منور و مستفیض خواهیم شد.